

ألفیه سیوطی
در مصطلح حدیث
«نَظْمُ الدُّرَرِ فِي عِلْمِ النَّثَرِ»

نظم
حافظ جلال الدین سیوطی
(متوفی ۹۱۱ هـ)

شرح
سید مسلم تفتدار

مدرسه امیریہ
جزیرہ قشتم – گیاهدان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

المُعَلَّق

١٥٤. مَا أَوَّلُ الْإِسْنَادِ مِنْهُ يُطْلَقُ - وَلَوْ إِلَى آخِرِهِ - مُعَلَّقٌ
١٥٥. وَفِي الصَّحِيحِ ذَا كَثِيرٍ، فَالَّذِي أُتِيَ بِهِ بِصِغَةِ الْجَزْمِ خُذِ
١٥٦. صِحَّتُهُ عَنِ الْمُضَافِ عَنْهُ وَعَيْرُهُ ضَعْفٌ وَلَا تُوهِنُهُ
١٥٧. وَمَا عَزَى لِشَيْخِهِ بِقَالََا فَنِي الْأَصَحِّ احْكُمْ لَهُ اتِّصَالَا
١٥٨. وَمَا لَهَا لَدَى سِوَاهُ ضَابِطٌ فَتَارَةً وَصَلُّ وَأُخْرَى سَاقِطٌ

المُعَلَّق

۱۰۴. مَا أَوَّلَ الْإِسْنَادِ مِنْهُ يُطَلَّقُ - وَلَوْ إِلَى آخِرِهِ - مُعَلَّقٌ

آنچه اول آن رها کرده شود اگر چه تا آخرش باشد معلق است.

شرح:

حدیثی که از ابتدای آن (یعنی طرف مصنف) یک راوی یا بیش‌تر ساقط شده باشد، معلق نامیده می‌شود.

۱۰۵. وَفِي الصَّحِيحِ ذَا كَثِيرٍ، فَالَّذِي أُتِيَ بِهِ بِصِغَةِ الْجُزْمِ خُذْ

در صحیح بخاری این تعلقات بسیارند پس آنچه با صیغه جزم بیاید، بگیر...

۱۰۶. صِحَّتُهُ عَنِ الْمُضَافِ عَنْهُ وَغَيْرُهُ ضَعْفٌ وَلَا تُؤْهِنُهُ

صحت آن را از شخصی که حدیث بسویش مضاف شده است و غیر آن (یعنی آنچه به صیغه جزم نیامده) را ضعیف بدان و آن را سست و بی‌اساس ندان.

شرح:

جمله تعلیقات در بخاری ۱۳۴۱ حدیث است. تمامی این‌ها داخل کتاب صحیح بخاری از طریق دیگر موصول روایت شده است مگر ۱۶۰ حدیث که در خود بخاری موصول روایت نشده است. ابن حجر عسقلانی این تعداد را بررسی نموده و در کتابی به نام «تغلیق التغلیق» با اسانید خودش موصول روایت نموده است. هدی الساری.

در صحیح مسلم تعلقات اندکی وجود دارد تعداد آن‌ها ۱۴ حدیث می‌باشد که از این تعداد همگی در خود صحیح مسلم موصول روایت شده است مگر یک حدیث. امام مسلم این حدیث را در باب تیمم معلق روایت کرده است. خوشبختانه این حدیث در صحیح بخاری به شماره ۳۳۷

موصول روایت شده است. بنابراین در تعلقات صحیح مسلم بحثی وجود ندارد. اکثر بحث، انتقادهای و ردود پیرامون تعلیقات صحیح بخاری است.

حکم تعلقات در بخاری و مسلم:

تعلقات در بخاری و مسلم حکم خاصی دارند بنابراین:

- آنچه با صیغه جزم و قطع آمده، مانند: «قَالَ»، «ذَكَرَ»، «حَكِيَ» و مانند این‌ها، متن حدیثی که بعد از این صیغه‌ها می‌آید، صحیح است.

- آنچه با صیغه تمریض آمده، مانند: «قِيلَ»، «ذُكِرَ»، «حُكِيَ» و مانند این‌ها؛ به صحیح بودن متنی که بعد از این الفاظ می‌آید حکم نشده است. بلکه در آن: صحیح، حسن و ضعیف وجود دارد اما حدیث واهی و سست در آن نیست.

راه شناخت صحیح از غیر صحیح، تحقیق و کنکاش پیرامون اسناد آن حدیث است.

۱۰۷. وَمَا عَزَى لِشَيْخِهِ بِقَالَ فَنِي الْأَصَحِّ احْكُمُ لَهُ اتِّصَالًا

و آنچه با لفظ «قال» به شیخش نسبت دهد بنابر اصح بر متصل بودنش حکم کن.

۱۰۸. وَمَا لَهَا لَدَى سِوَاهُ ضَابِطٌ فَتَارَةً وَصَلٌ وَأُخْرَى سَاقِطٌ

و آنچه برای لفظ «قال» نزد غیر بخاری از محدثین باشد منضبط و قاعده‌دار نیست گاهی موصول و گاهی منقطع است.

شرح:

امام بخاری گاهی در صحیح خود با لفظ «قال» از شیخش روایت می‌کند، مانند اینکه بگوید: «قال لنا القعنبي»، «قال: عفان». علما پیرامون آن اختلاف نظر دارند که معلق یا متصل است. قول صحیح این است که

متصل است زیرا ملاقات امام بخاری با شیوخش ثابت است و امام بخاری مدلس نیست.

اما غیر از امام بخاری اگر از شیخش با لفظ «قال» روایت کند احتمال می‌رود که متصل یا منقطع باشد بنابراین در مورد آن باید تحقیق شود.